

آثار بزه‌دیده‌شناسی بر حق مشارکت بزه‌دیده در تحقیقات مقدماتی در پرتو رویه دیوان بین‌المللی کیفری

جواد صالحی *

چکیده

حقوق بزه‌دیده از مهم‌ترین موضوعات نظام دادرسی کیفری نوین است. در این نظام تلاش می‌شود که جایگاه بزه‌دیده تقویت شود. یکی از ابعاد این تقویت جایگاه، اجازه مشارکت بزه‌دیده در دادرسی‌های دیوان کیفری بین‌المللی است. در ماده ۶۸ اساسنامه رم، اجازه این مشارکت داده شده است، ولی این مجوز مربوط به مرحله دادرسی است. برای اولین بار، شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی، شرکت بزه‌دیده را در مرحله تحقیقات مقدماتی، مجاز اعلام کرده است. این رویه دیوان کیفری بین‌المللی، نقطه‌عطفی در دسترسی بزه‌دیدگان به عدالت و رفتار منصفانه بر اساس آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است. قضات دیوان کیفری بین‌المللی با تفسیر موسع از ماده ۶۸(۳) اساسنامه به حمایت از اجرای دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی حمایتی بر مشارکت هرچه بیشتر بزه‌دیده از مراحل ابتدایی تحقیقات، روی خوش نشان داده‌اند.

واژگان کلیدی

حقوق بزه‌دیده، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، دیوان کیفری بین‌المللی، شرکت بزه‌دیدگان در تحقیقات مقدماتی

مقدمه

توجه به حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری یکی از موضوعات بااهمیت حقوق کیفری جدید است. مطالعه تاریخ حقوق کیفری نشان می‌دهد در اکثر نظام‌های عدالت کیفری به نقش و جایگاه بزه‌دیده به اندازه بزه‌کار، توجه مناسب و کافی نشده است. درعین حال، این رویکرد پس از ظهور بزه‌دیده‌شناسی حمایتی رو به بهبود گذاشته است. تأثیر دستاوردهای علم بزه‌دیده‌شناسی باعث شده است که حقوق کیفری از این حیث به طرز شگرفی متحول شود. امروزه در نتیجه این تحولات، بزه‌دیده غیربرخوردار از سهم مشارکت در فرایند دادرسی کیفری و ایفای نقش در آن،

نقش اصلی را در هدایت پرونده ایفا می‌کند. در این رویکرد، نقش بزه‌دیده از همان ابتدای شکل‌گیری تحقیقات کیفری در پرونده متهم علیه وی، مورد احترام و تکریم است. این حق در عرصه بین‌المللی برای اولین بار در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده است. ماده ۶۸ اساسنامه رم (زین پس، اساسنامه) به حق شرکت بزه‌دیدگان در دادرسی‌های کیفری دیوان اشاره کرده است. باوجود این، تفسیر لغوی «دادرسی کیفری» اجازه توسعه این حق را به مرحله تحقیقات نمی‌دهد.

محتویات مقررات ماده ۶۸ اساسنامه برای اولین بار در پرونده وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو (زین پس، کنگو) در دیوان کیفری بین‌المللی به اجرا گذاشته شده است. شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در این پرونده، اولین رأی خود را در تفسیر و اجرای ماده (۳) ۶۸ اساسنامه صادر کرده است.^۱ دیوان در این رأی به این موضوع پرداخته است که ماده (۳) ۶۸ اساسنامه که مجوز کلی شرکت بزه‌دیدگان در جلسات دادرسی برای محاکمه عوامل جنایات در صلاحیت دیوان است، آیا می‌تواند به مرحله تحقیقات مقدماتی نیز که هنوز عوامل جنایت در آن مشخص نشده‌اند تسری یابد؟^۲ شعبه مقدماتی در پاسخ به این سؤال، شرکت بزه‌دیدگان را خاص مرحله محاکمه تشخیص نداده است. شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در تفسیر ماده (۳) ۶۸ اساسنامه اعلام کرده است که این ماده در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز کاربرد دارد چرا که در هیچ جای ماده (۳) ۶۸ اساسنامه تصریح نشده است که دیوان از اعمال این ماده برای شرکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات ممنوع باشد. لذا به موجب ماده (۳) ۶۸ باید به بزه‌دیدگان اجازه داده شود که نظرات و نگرانی‌های راجع به منافع شخصی خود را در هر مرحله مناسب از منظر دیوان، ابراز نمایند.

این نوشتار تلاش می‌کند که سیر تحولات جایگاه بزه‌دیده از نظام‌های داخلی تا بین‌المللی (الف) و رویه شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در تفسیر ماده (۳) ۶۸ اساسنامه (ب) را بررسی و تحلیل کند و نقیصه‌های احتمالی آن را به چالش بکشد و چشم‌اندازی را پیش روی جامعه حقوقی علاقه‌مند به موضوعات بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در پرونده‌های دیوان کیفری بین‌المللی بگشاید.

۱. سیر تحولات جایگاه بزه‌دیده از نظام‌های داخلی تا بین‌المللی

حقوق بزه‌دیده از مهم‌ترین موضوعات نظام‌های دادرسی کیفری نوین به شمار می‌آید^۳ که به

1. Situation in the Democratic Republic of Congo, Decision on the Applications for Participation in the Proceedings of VPRS1, 2, 3, 4, 5 and 6, Case No. ICC-01/04-101, 17 January 2006.

2. *Ibid*, paras. 26-27.

۳. رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده در فرایند کیفری، خط سوم، ۱۳۸۱، ص ۲۸.

دنبال مراقبت از کرامت افراد و حقوق انسانی آنها و سپس تقویت و تحکیم جایگاه بزهدیده است. یکی از ابعاد مهم حقوق بشری قابل اعمال بر بزهدیده، احترام به آنان در چارچوب رعایت معیارهای رفتار منصفانه است.^۴ بزهدیده علاوه بر تحمل خسارت، درد و رنج ناشی از بزهدیدگی، کرامت و ارزش انسانی خویش را ازدست‌رفته می‌بیند و به دنبال بازسازی این وضعیت آشفته است.^۵ وقتی که با بزهدیده در فرایند کیفری به‌صورت محترمانه برخورد شود، او در برابر نامالیقات، احساس جبران صدمات می‌کند و آرامش روحی و روانی به او بازمی‌گردد چرا که رفتار توأم با احترام با بزهدیده، این حس را در او تقویت می‌کند که نیازهای وی شناسایی، خسارات وی جبران و زمینه بازگشت او به جامعه فراهم شده است به‌نحوی که مجدداً در معرض بزهدیدگی قرار نگیرد.^۶

از این رو ضرورت مداخله‌دادن بزهدیدگان و آگاهی آنها نسبت به سرنوشت محاکمه کیفری، یک موضوع بدیهی است.^۷ ضرورت حمایت از بزهدیده و ارتباط آن با علم «مجنی‌علیه‌شناسی» باعث شده است توجه به این افراد در افکار عمومی بیشتر شود تا حدی که زمینه را برای تأمین مؤثر جبران خسارت آنها فراهم کند.^۸ البته تردیدی نیست که رعایت کرامت بزهدیده، مستلزم شناسایی نیازهای او، حق دادخواهی، جبران آسیب‌های مادی و معنوی و ارائه خدمات قضایی به او در فرایند عدالت کیفری است.^۹ تسری مفهوم «دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه»^{۱۰} به وضعیت بزهدیدگان باعث شده است بزهدیده نیز شایسته بهره‌مندی از حقوقی در جهت دسترسی به عدالت و جبران آسیب‌ها و زیان‌های ناشی از جرم به روی وی شود.^{۱۱} در چنین شرایطی بزهدیده پس از آگاهی از وضعیت پرونده می‌تواند در جهت تأمین خواسته‌های قانونی خود، به ایفای نقش و هدایت پرونده بپردازد. بزهدیده پس از کسب مجوز شرکت در جلسات دادرسی، فرصت ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود به قضات شعبه رسیدگی‌کننده به پرونده را به دست می‌آورد.

۴. زینالی، امیرحمزه و محمدباقر مقدسی روین؛ «حق بزهدیده بر امنیت و اطلاع‌رسانی در فرایند کیفری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۷، ۱۳۹۱، ص ۲۲۷.

۵. آشوری، محمد و ابوالقاسم خدادادی؛ «حقوق بنیادین بزهدیده در فرایند دادرسی کیفری»، *آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۴.

۶. شیرینی، عباس؛ «فرایندهای عدالت ترمیمی»، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، شماره ۱، ۱۳۸۶، ص ۱۹.

۷. توجهی، عبدالعلی؛ «اندیشه حمایت از بزهدیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران»، در *علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)*، سمت، ۱۳۸۳، ص ۶۴۱.

۸. آنسل، مارک؛ *دفاع اجتماعی*، ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۳۹.

۹. قوام، میرعظیم؛ «حقوق بزهدیدگان و خواسته‌های آنان از پلیس»، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، شماره ۲، ۱۳۸۹، ص ۷۰.

10. Access to Justice and Fair Treatment

۱۱. رایجیان اصلی، مهرداد؛ *بزهدیده‌شناسی حمایتی*، دادگستر، ۱۳۸۴، ص ۴۹.

با وجود این، متولیان نظام عدالت کیفری، گاه به سبب ذهنیت منفی نسبت به بزه‌دیده و با این پیش‌فرض که او نمی‌تواند هیچ‌گونه کمکی به پیشبرد روند رسیدگی کیفری بکند، امکان مشارکت فعال را از او سلب می‌کنند.^{۱۲} بیشتر قضات اعتقاد دارند که بزه‌دیده باعث افزایش توجه عمومی و رسانه‌های جمعی به روند رسیدگی می‌شود و اغلب، وجهه نامطلوبی از قضات بروز می‌دهد.^{۱۳} در این شرایط، بسیاری از بزه‌دیدگان احساس می‌کنند که فرزندخوانده‌های نظام عدالت کیفری هستند، چرا که از حقوق و نگرانی‌های آن‌ها درک مناسبی وجود ندارد یا اینکه حقوق و نیازهایشان نادیده گرفته می‌شود.^{۱۴} این در حالی است که نگرانی‌های زیادی وجود دارد که چرا مجریان نظام عدالت کیفری نمی‌توانند نقش فعال‌تری برای بزه‌دیده ایفا کنند؟ درحالی که این وضعیت، زمانی در رابطه با متهم نیز به همین وضعیت وجود داشت و امروز ارتقا یافته است، چرا این ارتقا نمی‌تواند برای بزه‌دیده نیز صورت گیرد؟

۱-۱. جایگاه بزه‌دیده از مشارکت انفعالی تا مشارکت فعال در حقوق داخلی کشورها

الگوی حمایت از بزه‌دیده در چارچوب مراحل چهارگانه سیاست جنایی تحت عنوان حمایت شکلی آیین دادرسی‌مدار، منجر به پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق حقوق بزه‌دیده شده است.^{۱۵} این تحول در حالی رخ داده است که در نظام‌های کیفری کامن‌لا، شروع و پیگیری تعقیب کیفری، عموماً بر عهده دولت بوده است.^{۱۶} در این دوران، یکی از عمده‌ترین مباحث در این حوزه، چگونگی و میزان مشارکت بزه‌دیده در فرایند کیفری بوده است. نظام حقوقی برخی از کشورها مانند انگلستان، قائل به مشارکت انفعالی بودند.^{۱۷} در چنین فضایی این باور شکل گرفت که بزه‌دیده ابزاری است که باید از او علیه متهم استفاده کرد.^{۱۸} بزه‌دیده در نقش شاهد باید به نظام

۱۲. سماواتی پیروز، امیر؛ ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت‌های جرم‌شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلیس، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۳.

۱۳. یوسفی مراغه، مهدی؛ «خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان در مرحله دادرسی و اجرای حکم»، فصلنامه حقوق و مصلحت، شماره ۴، ۱۳۸۸، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

14. Beatty, David et al., [Report] *New Direction from the Field: Victims' Rights and Services for the 21st Century*, U.S. Department of Justice, Office of Justice Program, Office for Victims of Crime, Washington D.C. (2006): 97.

۱۵. رایجیان اصلی، مهرداد؛ *بزه‌دیده‌شناسی*، شهر دانش، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶.

۱۶. زینالی، امیرحمزه و محمدباقر مقدسی‌رویین؛ «رویکرد تطبیقی به نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرایند کیفری»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۵، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲.

۱۷. نیازپور، امیرحسین؛ «نقش بزه‌دیده در چگونگی پاسخ‌دهی به بزهکاران»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۵۷، ۱۳۹۱، ص ۳۵۱.

18. Wolhuter L., Olley N., and Denhain D., *Victimology: Victimization and Victims' Rights*, London, Cavendish Publishing (2009): 177.

عدالت کیفری کمک کند^{۱۹} تا اینکه نظام عدالت کیفری به هدف محکومیت متهم دست یابد. در چنین فرایندی بزهدیده، شخصی نبوده است که باید به جبران خسارات وی توجه شود،^{۲۰} بلکه ابزاری خودداوطلبانه در خدمت دستگاه عدالت کیفری بوده است تا از او برای پایین آوردن هزینه‌های اثبات جرم، بهره‌برداری شود.

این فضای سوءاستفاده ابزاری از قربانی جرم، کم‌کم اصلاح شده است. زمزمه‌هایی از اندیشه‌های بزهدیده‌شناسی حمایتی باعث شده است تا اینکه به بزهدیده توجه شود. بزهدیده در این رویکرد جدید در تقابل با بزهکار، موجودی ضعیف ارزیابی شده است که باید از او حمایت شود تا صدایش شنیده شود.^{۲۱} دستگاه عدالت کیفری باید از تمام امکاناتش استفاده کند تا اینکه از آسیب بیشتر بزهدیده جلوگیری شود، چرا که بزهدیده نباید یک بار دیگر، قربانی امیال و اهداف دستگاه عدالت کیفری شود تا اینکه با توسل به وی، جرم اثبات شود. چه‌بسا اینکه بزهدیده در چنین وضعیتی حاضر به همکاری نباشد یا اینکه از این همکاری ابزارگونه، بیشتر صدمه ببیند.

در این دوران، رویکرد بهبودی جایگاه بزهدیده در نظام‌های رومی - ژرمنی سرعت بیشتری به خود گرفت. در کشورهای پیرو نظام رومی - ژرمنی مانند آلمان و فرانسه به بزهدیده نقش فعال‌تری در فرایند کیفری اعطا شد.^{۲۲} نظام حقوقی این کشورها به مشارکت فعال و پویای بزهدیده اعتقاد پیدا کردند.^{۲۳} در این نظام‌ها به بزهدیده اجازه داده شد تا در جلسات دادرسی شرکت کند و راجع به خسارات خود و میزان مجازات احتمالی متهم اظهارنظر کند.^{۲۴} علاوه بر این در این نظام‌ها به نقش میانجیگری توجه شد. در شرایط جدید، امیدها برای جبران خسارت، مذاکره و سازش با بزهکار از طریق میانجیگری فراهم شد.^{۲۵} اعطای فرصت بیان انتظارات، زیان‌ها و صدمات بزهدیده در نتیجه جرم باعث شد تا وضعیت بزهدیده بهبود و آرام وی التیام یابد و با فائق آمدن بر مشکلات ناشی از جرم به آرامش و امنیت برسد.^{۲۶}

باین‌حال در این دوران، دیدگاه غالب این بود که دادستان، نماینده دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزهدیده است. از این منظر، دادستان کسی بود که معمولاً به حد کافی از حقوق و منافع

19. Doak, J, *Victims Rights, Humans Rights and Criminal Justice*, Oxford, Hart Publishing (2008): 138.

20. Sanders, A., "Victim Participation in an Exclusionary Criminal Justice System", in: Hoyle, C. and R. Young, (Eds.), *New Versions of Crime Victims*, Oxford, Hart Publishing (2002): 201.

21. Garland, D., "The Culture of High Crime Societies: Some Preconditions of Recent Law and Order Policies", *British Journal of Criminology*, vol. 40 (2000): 347.

۲۲. زینالی و مقدسی رویین؛ ۱۳۹۲، همان، ص ۱۸۲.

۲۳. نیازپور؛ همان، ص ۳۵۲.

24. Walther, S., "Victims' Rights in German Court System", *Federal Sentencing Reporter*, vol. 19.2 (2006): 11.

۲۵. عباسی، مصطفی؛ *افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری*، دانشور، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳.

۲۶. سماواتی پیروزی، امیر؛ *عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن*، نگاه بینه، ۱۳۸۵، ص ۱۰۴.

بزه‌دیدگان حمایت می‌کند. از این‌رو مداخله بزه‌دیده، تأثیری در نتیجه پرونده وی ندارد و تنها موجب متراکم‌شدن اطلاعات و تقاضاهای بی‌مورد بزه‌دیده می‌شود. اعطای نقش مستقیم به بزه‌دیده در روند محاکمه و صدور حکم بزهکار، صرفاً موجب یک عامل احساسی در روندی می‌شود که باید به‌طور منطقی و به‌دور از احساسات طی شود. مشارکت بزه‌دیده در فرایند عدالت کیفری به‌جز طولانی‌شدن زمان محاکمه، نتیجه‌ای ندارد. توجه بیش از اندازه و مشارکت‌دادن بزه‌دیده در جلسات محاکمه بزهکار، موجب توقع در تشدید مجازات و درنهایت، افزایش جمعیت زندانیان است.^{۲۷} به‌علاوه در این دوران، بسیاری در جلوگیری از مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی استدلال کردند که این وضعیت در تعارض با ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است که در آن به حق متهم در برخورداری از محاکمه منصفانه تأکید شده است.^{۲۸} شرکت بزه‌دیده در جلسات دادرسی نباید منجر به تضییع معیارهای دادرسی عادلانه در حق متهم شود.

اما مدتی نگذشت که در پاسخ به این افراد، استدلال شد که اگر اصل برابری سلاح‌ها در دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که دو طرف دعوا از فرصت و امکاناتی برابر در دفاع از خود و اثبات ادعایشان بهره‌مند باشند، «بر پایه مفهوم دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه»^{۲۹} نیز اصل هم‌ترازی حقوق طرفین پرونده اقتضا می‌کند تا اولاً، مشابه حقوق متهم در برخورداری از دادرسی عادلانه برای بزه‌دیده نیز در دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه شکل بگیرد و ثانیاً، به‌رسمیت‌شناختن هر حقی برای بزه‌دیده، بدون هیچ خدشه‌ای به حقوق متهم باشد. دو حق؛ (۱) دسترسی بزه‌دیده به عدالت و رفتار منصفانه و (۲) برخورداری متهم از معیارهای دادرسی عادلانه، همچون دو کفه ترازوی فرشته عدالت است که شاخص برابری آن، قاضی است. این همان اصل راهبردی دادرسی عادلانه در هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم است.

لیکن نگرانی‌های زیادی در این زمینه وجود داشت. عمده این نگرانی‌ها این بود که رعایت حقوق شکلی بزه‌دیده به حقوق متهم در برخورداری از دادرسی عادلانه آسیب وارد می‌کند. ایجاد توقعات نادرست برای بزه‌دیده به بهای ازدست‌رفتن حقوق متهم، یکی از چالش‌های اجرای حقوق بزه‌دیده در دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه است. از این‌رو پیشنهاد شد که «تحقق دادرسی عادلانه بر پایه اصل خدشه‌ناپذیری حقوق بین‌الملل حقوق بشر»^{۳۰} منجر به هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم شود. با این‌حال، در این دوران، طرح تعارض حقوق بزه‌دیده با اسناد

۲۷. زینالی و مقدسی رویین؛ ۱۳۹۲، همان، ص ۲۰۲.

28. Emmerson, B. and Ashworth A., *Human Rights and Criminal Justice*, London, Sweet and Maxwell (2001): 199.

۲۹. رایجیان اصلی، مهرداد، «تحول حقوق جهانی بزه‌دیدگان بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۷-۵۶، ۱۳۸۵، ص ۱۵۱.

۳۰. همان، ص ۱۸۳.

بین‌المللی در حمایت از حق برخورداری متهم از دادرسی عادلانه باعث شد این اعتراضات نسبت به دسترسی بزهدیده به عدالت و رفتار منصفانه، جنبه بین‌المللی به خود بگیرد تا اینکه برای برون‌رفت از آن، راه‌حل بین‌المللی ارائه شود. لذا این وضعیت، زمینه را برای اقدام بین‌المللی در این حوزه فراهم کرد.

۱-۲. جایگاه بزهدیده بر پایه رفتار منصفانه در نظام حقوق بین‌الملل

بزهدیدگان در برابر نسل اول دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یعنی دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ و دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو، «گروه شکست‌خورده بودند».^{۳۱} منشور لندن، دادگاه نورنبرگ و منشور دادگاه توکیو در هیچ‌یک از مواد خود، اشاره‌ای به لزوم توجه به حقوق بزهدیده‌گان، جبران خسارات آنان و نقش احتمالی آنان در دادرسی نداشتند،^{۳۲} تا اینکه مجمع عمومی، اعلامیه «اصول اساسی عدالت برای بزهدیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»^{۳۳} را بر اساس توصیه کنگره هفتم در ۲۹ نوامبر ۱۹۸۵ پذیرفت.

این اعلامیه طی قطعنامه شماره ۴۰/۳۴ و حاوی ۲۱ ماده درباره حمایت از بزهدیده ارائه شده است. مفهوم بزهدیده‌شناسی حمایتی^{۳۴} یکی از دستاوردهای اعلامیه ۱۹۸۵ است که سنگ بنای نظام حمایت از بزهدیده است. دسترسی بزهدیده به عدالت و رفتار منصفانه با وی، گرایش بزهدیده‌مدار سازمان ملل است که با الهام از یافته‌های بزهدیده‌شناسی مبتنی بر حقوق بزهدیده مطرح شده است.^{۳۵} در این رویکرد، همان‌طور که حقوق بزهدیده بر پایه دادرسی عادلانه مراعات می‌شود، به حقوق بزهدیده بر پایه دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه تأکید می‌شود. یکی از ابعاد دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه در بستر دادرسی عادلانه، حق شرکت بزهدیده در رسیدگی‌های کیفری است.^{۳۶} بند ۶ این اعلامیه بر ضرورت توجه به دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزهدیدگان در مراحل رسیدگی به جرم، بدون خدشه به حقوق متهم تأکید می‌کند. این همان

31. Schabas, William A., *An Introduction to the Criminal Court*, 3rd Edition, Cambridge University Press (2007): 324.

32. رضوی‌فرد، بهزاد و حسن فقیه‌محمدی؛ «تکامل حقوق بزهدیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۱۹۷.

33. Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, G.A. Res. 40/34, U.N. GAOR, 40th Sess., 96th plenary mtg., Annex, U.N. Doc. A/RES/40/34, 29 Nov 1985.

34. رایجیان اصلی، مهرداد؛ «بزهدیده‌شناسی حمایتی در اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزهدیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»، *مجله پژوهش‌های حقوقی*، شهر دانش، شماره ۷، ۱۳۸۴، ص ۲۹.

35. رایجیان اصلی؛ ۱۳۸۵، همان، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

36. رایجیان اصلی، مهرداد، «بزهدیده‌گان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۱۹، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵.

روی دیگر سکه حقوق بشر است که نسبت به بزه‌دیدگان، نمود خارجی پیدا کرده است. درحالی‌که تا قبل از این، معیارهای دادرسی عادلانه در پرتو آموزه‌های حقوق بشری، چتر حمایت خود را بر سر بزه‌کار گسترانده بود، این چهره جدید به تعبیر برخی از حقوق‌دانان، تحت عنوان «حقوق بزه‌دیده بر پایه رفتار منصفانه»^{۳۷} ظهور پیدا کرده است.

علاوه بر این، ماده (a)(۲) ۵ پیش‌نویس ۲۰۱۰ کنوانسیون سازمان ملل درباره عدالت و حمایت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت^{۳۸} نیز تأکید می‌کند که حق ارائه نظرات و نگرانی‌های بزه‌دیدگان نباید به حقوق متهم در برخورداری از دادرسی عادلانه صدمه وارد کند. تنظیم‌کنندگان این کنوانسیون در ماده (۲) ۵ با اشاره به مضمون دادرسی عادلانه بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم، دو سازوکار را در نظر گرفته‌اند که شامل؛ ۱- فراهم‌ساختن رسیدگی عادلانه برای احقاق حق جبران بدون خدشه بر حقوق متهم و ۲- امکان دادرسی به احقاق حق ارائه نظرات و نگرانی‌های بزه‌دیده بدون خدشه به حقوق متهم است. امکان دادن به احقاق حق، ارائه نظرات و نگرانی‌های بزه‌دیده، خود دارای مؤلفه‌هایی است که شامل: ۱- حق اعتراض یا تجدیدنظر بزه‌دیده، ۲- جلوگیری از اطاله دادرسی در راستای حمایت از بزه‌دیده و ۳- تضمین اجرای حکم یا قرار مربوط به جبران خسارت بزه‌دیده است.

ایفای نقش بزه‌دیده در فرایند عدالت جنایی، بازتاب حقی است که از گذشته برای جبران خسارات وی به رسمیت شناخته شده است.^{۳۹} رعایت احترام به منزلت بزه‌دیده، بنیادی‌ترین حق انسانی اوست. در پارگراف ۴ اعلامیه تصریح شده است که «با بزه‌دیدگان باید با همدردی و احترام به کرامت آنان رفتار شود، آن‌ها مستحق دسترسی به سازوکارهای قضایی و نیز جبران خسارات وارده به ایشان بر مبنای قوانین ملی هستند» (ن.ک: پارگراف ۴ اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت). این احترام به بزه‌دیده از رهگذر رفتار منصفانه عوامل اجرایی دستگاه عدالت کیفری با وی بروز می‌یابد. یکی از جلوه‌های این رفتار منصفانه، حق آگاه‌شدن بزه‌دیده از نقش و امکانات خود، زمان‌بندی و روند پیشرفت رسیدگی و وضعیت پرونده عامل جنایت است (ن.ک: پارگراف ۶ اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت).

آشناکردن بزه‌دیده با حقوقی که قانون به او اعطا کرده است، در بازیابی موقعیت اجتماعی وی مؤثر است و از بزه‌دیده‌گی مجدد او جلوگیری می‌کند. از این حیث، صرف شکایت قانونی

۳۷. رایجیان اصلی، مهرداد؛ جرم‌نگاری سوءاستفاده از قدرت در پرتو نظام حقوق بشر و حقوق کیفری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸.

38. *United Nations Convention on Justice and Support for Victims of Crime and Abuse of Power*, Draft Convention, 8 February 2010.

۳۹. رایجیان اصلی، مهرداد؛ «بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴، ص ۱۰۷.

زیان‌دیده علیه مجرم، خسارات وی را جبران نمی‌کند. پس از وقوع جرم و به‌موازات تعقیب و تحقیق از متهم و طی مراحل دادرسی، حمایت از بزه‌دیده در اولویت کاری است. این حمایت باید متناسب با نیازهای بزه‌دیده و در راستای جبران آسیب‌های واردشده به وی باشد. لیکن این رویکرد، نیازمند مجریانی در نظام عدالت کیفری است که آموزش‌های لازم را در این زمینه سپری کرده باشند و به نیازها و سرنوشت مراجعه‌کنندگان خود، حساس و علاقه‌مند باشند.^{۴۰} مأموران مجری قانون، بیش از سایر متخصصان در نظام عدالت جنایی با بزه‌دیده ارتباط دارند. لذا ضروری است که مجریان قانون، آموزش‌های لازم را در پاسخگویی مؤثر به مسائل مرتبط با بزه‌دیده دریافت کنند. این مجریان باید تضمین کنند که با بزه‌دیده با حساسیت رفتار شده و اطلاعات ضروری و مساعدت اضطراری در اختیار آن‌ها قرار گرفته است.^{۴۱}

۱-۳. جایگاه بزه‌دیده بر پایه مشارکت در دادرسی بدون خدشه به حقوق متهم

تحقق عدالت کیفری در گرو تدوین، عرضه و رعایت دقیق قوانین شکلی است.^{۴۲} حمایت‌های حقوقی نیز معمولاً در قوانین آیین دادرسی کیفری شناسایی می‌شود. حمایت حقوقی از بزه‌دیده، مستلزم پیش‌بینی سازوکارهایی برای احقاق حقوق وی در فرایند جنایی است.^{۴۳} به همین دلیل، حمایت از بزه‌دیده به تدریج پس از جنگ جهانی دوم در شکل‌های متفاوت از جمله جبران خسارت^{۴۴} ظهور پیدا کرد.^{۴۵} اگرچه در این دوران تلاش شد از غفلت دو دادگاه کیفری بین‌المللی نسل اول در حق بزه‌دیدگان فاصله گرفته شود، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا جایگاهی فراتر از حد شهود برای بزه‌دیدگان قائل نبودند.^{۴۶} در اساسنامه این دادگاه‌ها تنها به لزوم حفاظت از بزه‌دیده و شاهد اشاره شده بود.^{۴۷} بزه‌دیده در این دادگاه‌ها حقی برای مشارکت در فرایند رسیدگی نداشت، جز اینکه قضات دادگاه کیفری

۴۰. عبدالفتاح، عزت؛ «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»، ترجمه: علی‌حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳، ۱۳۷۱، ص ۹۸.

۴۱. یوسفی مراغه، مهدی، «خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۳، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

۴۲. آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۳.

۴۳. حبیبی مجنده، محمد و مرضیه دیرباز، «دیوان کیفری بین‌المللی و حقوق بزه‌دیده در مراحل محاکمه و تجدیدنظر»، مجله تعالی حقوق، شماره ۲، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲.

44. Reparation

۴۵. توجهی؛ همان، ص ۶۳۱.

۴۶. رضوی فرد و فقیه‌محمدی؛ همان، ص ۱۹۹.

۴۷. ن.ک: مواد ۲۱ و ۲۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و مواد ۱۹ و ۲۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا.

بین‌المللی یوگسلاوی سابق، یک مرتبه در پرونده *رادیسلاو کرستیچ*^{۴۸} به بزه‌دیدگان اجازه دادند تا در پایان شهادتشان آزادانه صحبت کنند و گوشه‌ای از رنج‌های ناشی از جرم بر خود را به استحضار قضات برسانند.^{۴۹} مجوز قضات دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، اولین سنگ بنای ایجاد نظامی بود که در آن به بزه‌دیده اجازه مشارکت در دادرسی می‌داد.

در این مسیر، تدوین‌کنندگان اساسنامه رم، تحت تأثیر اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، در مرحله اول بر حق بزه‌دیده بر ارائه و اظهارنظر راجع به دیدگاه‌های خود تأکید کردند و حق مشارکت او را در فرایند رسیدگی به پرونده‌های تحت صلاحیت دیوان در نظر گرفتند. لیکن از آنجایی که جبران آسیب جرم از دغدغه‌های اصلی بزه‌دیده است،^{۵۰} اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پس از اعطای مجوز شرکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی دیوان، از بزه‌دیده حمایت کرد و حمایت‌های مادی شایسته‌ای را در این راستا مدنظر قرار داد.^{۵۱}

مشارکت بزه‌دیده و لزوم جبران خسارات وی برای نخستین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی و در سطح دیوان کیفری بین‌المللی به رسمیت شناخته شد.^{۵۲} اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جبران خسارت را شامل ترمیم،^{۵۳} غرامت^{۵۴} و توان‌بخشی^{۵۵} برشمرد^{۵۶} تا اینکه بزه‌دیده در وضعیت ترمیم، به حالت اولیه پیش از بزه‌دیدگی بازگردانده شود و در وضعیت غرامت، هزینه‌های مالی مربوط به صدمات و آسیب‌های جسمی و روحی را دریافت کند و در وضعیت توان‌بخشی از خدمات پزشکی، روانپزشکی، حقوقی و اجتماعی بهره‌مند شود.^{۵۷}

با وجود این، لازمه جبران خسارت، مشارکت‌دادن بزه‌دیده از همان ابتدای فرایند تحقیقات در پرونده جرم علیه بزه‌دیده است. تنها در این وضعیت است که بزه‌دیده به حال خود رها نمی‌شود و

48. *Prosecutor v. Radislav Krstic*, Judgment, Case No. IT-98-33-T, 2 August 2001, para. 702.

49. Haslam, Emily, "Victim Participation at the International Criminal Court: A Triumph of Hope over Experience?", in: Dominic Mc Goldrik *et al.* (eds.), *The Permanent International Criminal Court*, Legal and Policy Issues, Hart Publishing, Oxford and Portland Oregon (2004): 319.

۵۰. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ «از جبران خسارت بزه‌دیده توسط بزهکار تا جبران خسارت توسط دولت»، *مجله فقه و حقوق*، شماره ۹، ۱۳۸۶، ص ۹۶.

۵۱. لسانی، حسام‌الدین و مرضیه دیرباز؛ «حمایت‌های مادی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه‌دیدگان»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵.

۵۲. حبیبی مجنده و دیرباز؛ همان، ص ۱۷۹.

53. Restitution

54. Compensation

55. Rehabilitation

56. Wemmers, Jo-Anne, "Reparation and the International Criminal Court: Meeting the Needs of Victims", Report of the Workshop held January 28th 2006. Available at: <http://www.globalsolutions.org/files/general/victims-rights.pdf>, p. 17.

۵۷. لسانی و دیرباز؛ همان، ص ۱۸۵.

درعین حال می‌توان از تجربیات دست‌اول وی در حفظ حقوق خودش استفاده کرد. بزهدیده بهتر از هر شخص یا نهاد دیگر می‌تواند اطلاعات وقوع جرم بر خود را در اختیار دادستان قرار دهد. بر این اساس، دادستان نیز قادر است در هنگام درخواست مجوز برای شروع تحقیقات از شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی به‌موجب ماده ۱۵ اساسنامه، نظرات بزهدیده را به سمع قضات دیوان برساند. در این مرحله است که می‌توان آسیب‌های بزهدیده را تحت حمایت قوانین موجود قرار داد و راهکارهای متفاوتی را برای جبران خسارت وی شناسایی کرد.

تجربه نشان داده است که مشارکت‌دادن بزهدیده در مراحل مختلف قبل از رسیدگی به پرونده در دادگاه، توانسته است به «موقعیت ضابط قضایی در کشف جرم، حفظ صحنه جرم، شناسایی متهم یا متهمین، جمع‌آوری ادله و مدارک، پیگیری پرونده، رعایت توصیه‌های پلیسی و حتی نظارت بر عملکرد ضابط قضایی در انجام تحقیقات، کمک زیادی کند».^{۵۸} از این حیث، بزهدیده اجازه یافته است که در اولین ایستگاه رسیدگی کیفری که مرحله تحقیقات جرم است، اجازه اظهارنظر و مشارکت در شکل‌گیری تحقیقات و ساختمان پرونده داشته باشد و ایفای نقش کند.

۲. رویه شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی در تفسیر ماده (۳) ۶۸ اساسنامه

مشارکت بزهدیده در فرایند دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شده است. ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (زین‌پس، اساسنامه) اجازه مشارکت بزهدیده را در جلسات دادرسی داده است. لیکن اعطای این مجوز در رابطه با مشارکت بزهدیده در مرحله تحقیقات با ابهام مواجه است. ماده (۳) ۶۸ اساسنامه، تکرار پارگراف (b) ۶ اعلامیه سازمان ملل راجع به اصول اساسی عدالت برای بزهدیدگان و قربانیان و سوءاستفاده از قدرت است که تلاش کرده است منافع بزهدیدگان را در دسترسی به سازوکار عدالت کیفری تأمین کند.

از این منظر، ماده (۳) ۶۸ اساسنامه به مقررات کلی شرکت بزهدیدگان در دادرسی‌های دیوان کیفری می‌پردازد. در جایی که منافع شخصی بزهدیدگان تحت تأثیر قرار گرفته است، دیوان باید به آن‌ها اجازه دهد نظرات و نگرانی‌های خود را در مرحله‌ای از دادرسی که قضات، آن را مناسب تشخیص داده‌اند و به‌نحوی که منافی یا معارض با حقوق متهم و معیارهای دادرسی منصفانه نباشد، ابراز نمایند. در این رویکرد، دیوان ملزم است که به بزهدیدگان اجازه شرکت در «جلسات دادرسی» را بدهد و نظرات آن‌ها را استماع کند و مدنظر قرار دهد.^{۵۹} با این‌همه، این ماده

۵۸. قوام، میرعظیم؛ «نقش بزهدیدگان در کشف جرم و حمایت پلیس از آنان»، فصلنامه *انتظام اجتماعی*، شماره ۳، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰.

59. Donat-Cattin, David, Article 68: in: Otto Triffterer ed., *Protection of Victims and Witnesses and Their Participation in the Proceedings*; Susana SáCouto and Katherine Cleary, "Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court", (1999): 869.

به‌صراحت به واژه «دادرسی» اشاره کرده است. قید صریح مرحله دادرسی، این شائبه را تقویت کرده است که این ماده فقط مربوط به مرحله محاکمه است. از این‌رو طبیعی است که در مراحل ابتدایی تحقیقات که هنوز مظنون یا متهمی معرفی نشده است و هنوز پرونده مراحل مقدماتی را پشت سر نگذاشته است، این ماده نباید کاربرد داشته باشد.

تا قبل از صدور رأی شعبه مقدماتی دیوان کیفری بین‌المللی بر اعطای مجوز شرکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی در حال انجام در وضعیت کنگو، مشخص نبود که آیا ماده (۳) ۶۸ اساسنامه واقعاً می‌تواند در پرونده‌هایی که دادستان هنوز فرد یا افرادی را به‌عنوان مظنون به ارتکاب جرم در آن وضعیت شناسایی نکرده است، کاربرد داشته باشد یا نه؛^{۶۰} تا اینکه شعبه مقدماتی در این رابطه، تفسیری کاملاً متفاوت از ماده (۳) ۶۸ اساسنامه ارائه کرد. شعبه مقدماتی در رأی ۱۷ ژانویه ۲۰۰۶ با استناد به ماده (۳) ۶۸ اساسنامه به‌صراحت اعلام کرد که بزه‌دیدگان، حق دارند در مرحله تحقیقات مقدماتی در حال انجام دادستان در وضعیت کنگو شرکت کنند، چرا که مرحله تحقیقات مقدماتی، جزئی از مراحل دادرسی است. شرکت بزه‌دیدگان در مراحل ابتدایی دادرسی با اهداف اساسنامه همخوانی دارد. از این منظر، بزه‌دیدگان در اساسنامه، سهم و نقش مستقلی دارند که به‌موجب این استقلال باید به آن‌ها فرصت اظهارنظر و نگرانی خویش به دادستان در مرحله تحقیقات مقدماتی داده شود.

۲-۱. مجوز شرکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی

بزه‌دیدگان به‌موجب ماده (۳) ۶۸ اساسنامه حق دارند پس از طی تشریفات خاص در فرایند تحقیقات در حال انجام، دیدگاه‌ها و نگرانی‌های خود را راجع به تحقیقات جاری وضعیت کنگو به استماع دیوان برسانند و دلائل مرتبط با آن را ثبت کنند^{۶۱} و حتی از «شعبه مقدماتی درخواست کنند که دستور اجرای برخی اقدامات خاص را در این زمینه صادر کند».^{۶۲} با این حال، دادستان این تفسیر شعبه مقدماتی را نمی‌پذیرد و درمقابل آن موضع‌گیری می‌کند. دادستان درحالی‌که شرکت بزه‌دیدگان را در مراحل پس از تحقیقات مقدماتی قانونی می‌داند،^{۶۳} از سه بُعد به تفسیر

60. Stahn, Carsten, Hector Olasolo & Kate Gibson, "Participation of Victims in Pre-Trial Proceedings of the ICC", *Journal of International Criminal Justice*, 4 (2006): 221

61. Situation in the Democratic Republic of Congo, Decision on the Applications for Participation in the Proceedings, *op. cit.*, para 71.

62. *Ibid*, para 75.

63. Situation in the Democratic Republic of Congo, Prosecution's Observations on the Applications for Participation of Applicants a/0004/06 to a/0009/06, a/0016/06 to a/0063/06, a/0071/06, a/0072/06 to a/0080/06 and a/0105/06, Case No. ICC-01/04-315, 17 Sep 2007, para 6; And also: Situation in the Democratic Republic of Congo, Prosecution's Reply under Rule 89(1) to the Applications for Participation of Applicants a/0106/06 to a/0110/06, a/0128/06 to a/0162/06, a/0188/06, a/0199/06, a/0203/06, a/0209/06, a/0214/06, a/0220/06 to a/0222/06 and a/0224/06 to a/0250/06, Case No. ICC-01/04-346, 25 June 2007, para. 11

شعبه مقدماتی در صدور مجوز شرکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی اعتراض می‌کند. لیکن شعبه مقدماتی این استدلالها را بی‌اساس و مردود می‌داند.

۱- اولین استدلال دادستان این است که زمانی که شعبه مقدماتی این موضوع را بررسی می‌کرد که آیا واژه «دادرسی» مصرح در ماده ۶۸(۳) اساسنامه، مرحله تحقیقات را نیز دربرمی‌گیرد یا نه، دادستان اعلام کرده است که اساسنامه میان دو مرحله تحقیقات و دادرسی، تمایز قائل شده است. به اعتقاد دادستان، دو مرحله متفاوت و مجزا از هم وجود دارد، به‌نحوی که نمی‌توان مرحله دادرسی را دربرگیرنده مرحله تحقیقات نیز دانست. علاوه بر این، ماده ۱۲۷ اساسنامه نیز میان دو مرحله دادرسی و تحقیقات، تفکیک قائل شده است. لذا به اعتقاد دادستان به نظر می‌رسد که هیچ «دادرسی» مدنظر ماده ۶۸(۳) اساسنامه در مرحله تحقیقات وجود ندارد.^{۶۴} با این استدلال، دادستان نتیجه می‌گیرد که ماده ۶۸(۳) اساسنامه اجازه نمی‌دهد که بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی در حال انجام، شرکت کنند.

شعبه مقدماتی این استدلال دادستان را بر اساس تفسیر وی از ماده ۶۸(۳) اساسنامه نمی‌پذیرد و با تحلیل فنی از تمایز میان تحقیقات و دادرسی در چارچوب اساسنامه، نتیجه می‌گیرد که این دو واژه در برخی از قسمت‌های اساسنامه به‌نحوی به‌کار گرفته شده‌اند که می‌توانند جایگزین یکدیگر باشند. لذا واژه دادرسی شامل مرحله تحقیقات مقدماتی نیز هست.

۲- دادستان در استدلال دوم به موقعیت مکانی ماده ۶۸ اساسنامه در ساختار اساسنامه اشاره می‌کند که ماده ۶۸ در ذیل فصل ۶ اساسنامه تحت عنوان «محاکمه» جای گرفته است.^{۶۵} از این رو به اعتقاد دادستان نباید ماده ۶۸ اساسنامه را به مرحله تحقیقات تسری داد.

لیکن شعبه مقدماتی با اشاره به موقعیت مکانی ماده ۶۸ اساسنامه که در ذیل فصل ۶ اساسنامه قرار گرفته است، استدلال می‌کند مواد ذیل فصل ۶ به مراحل و اصول قابل اجرا در مراحل مختلف دادرسی دیوان می‌پردازد. شعبه مقدماتی با توسل به مواد ۶۹ تا ۷۲ اساسنامه تصریح می‌کند که ماده ۶۹ اساسنامه مربوط به دلیل، مواد ۷۰ و ۷۱ اساسنامه مربوط به جرایم علیه عدالت و مجازات‌های سوءرفتار درمقابل دیوان به مراحل مختلف دادرسی ارتباط دارند. جرایم توصیف‌شده در ماده (۱) ۷۰ اساسنامه ممکن است در مرحله تحقیقات نیز صورت گیرد. ماده ۷۲ اساسنامه که مربوط به «حفاظت از اطلاعات امنیت ملی» است به‌صراحت بندهای ۱، ۴ و ۵ خود، ممکن است مراحل مختلف دادرسی از جمله مرحله تحقیقات را نیز دربرگیرد.^{۶۶}

64. Situation in the Democratic Republic of Congo, Prosecution's Reply on the Applications for Participation 01/04-1/dp to 01/04-6/dp, Case No. ICC-01/04-84-Conf, 15 August 2005, para 13.

65. *Ibid.*, para 18.

66. Situation in the Democratic Republic of Congo, Decision on the Applications for Participation in the Proceedings, *op. cit.*, para 43.

۳- دادستان در استدلال سوم معتقد است که مجوز شرکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات، نامناسب است^{۶۷} چرا که (۱) اجازه مداخله بزه‌دیدگان در فرایند تحقیقات، سلامت تحقیقات را به خطر می‌اندازد و (۲) مشارکت بزه‌دیدگان در تحقیقات، الزاماً منجر به افشای ابعاد و ماهیت تحقیقات می‌شود، درحالی‌که افشای جزئیات راجع به تحقیقات در حال انجام، به بزه‌دیدگان، از کارآیی آن می‌کاهد.^{۶۸}

لیکن شعبه مقدماتی، برخلاف دادستان معتقد است که شرکت بزه‌دیدگان در این مرحله، هیچ خطری را متوجه تحقیقات در حال انجام، نمی‌سازد چرا که طرح نظرات و نگرانی‌های بزه‌دیدگان راجع به برخی از ابعاد تحقیقات به دیوان نمی‌تواند تأثیر منفی بر عملکرد تحقیقاتی دادستان داشته باشد. در نظر گرفتن این حق برای بزه‌دیدگان از این حیث، الزاماً به معنای دسترسی آن‌ها به سوابق تحقیقات دادستان نیست و لذا بر عملکرد دادستان در انجام تحقیقات به موجب مفاد اساسنامه، هیچ تأثیری نمی‌گذارد.^{۶۹}

۲-۲. دستاوردهای رأی شعبه مقدماتی بر شرکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات

مقدماتی

در ابتدای شروع به کار دیوان کیفری بین‌المللی نیز تصور برخی از حقوق‌دانان از ماده (۳) ۶۸ اساسنامه این بود که این ماده برای مرحله قبل از شناسایی عامل جنایت، کاربرد ندارد. آن‌ها معتقد بودند که اساسنامه دیوان به حق بزه‌دیده‌گان، صرفاً بر «ارائه شکایت به شعبه مقدماتی» پس از بررسی تقاضای دادستان برای صدور مجوز انجام تحقیقات (ن.ک: ماده (۳) ۱۵ اساسنامه) و همین‌طور به حق بزه‌دیدگان بر مطلع شدن از پایان تحقیقات (ن.ک: ماده ۵۳ اساسنامه) اشاره کرده است و نیز شرکت بزه‌دیدگان را در طول دادرسی در مرحله محاکمه متهم، تضمین کرده است.^{۷۰} (ن.ک: مواد (۳) ۱۹ و (۳) ۶۸ اساسنامه). آن‌ها قائل به این نظریه بودند که تصویب‌کنندگان اساسنامه با تصویب ماده (۳) ۶۸ اساسنامه و با اشاره صریح به واژه «دادرسی» نخواستند حقی برای بزه‌دیدگان در مشارکت در مرحله تعقیب یا تحقیقات در نظر بگیرند. اما در رویه عملی دیوان، وضعیت به نحو دیگری رقم خورد که با تصورات سابق از این ماده همخوانی ندارد.

رأی شعبه مقدماتی بر تجویز شرکت بزه‌دیدگان در ابتدایی‌ترین مراحل تحقیقات، از اولین

67. Situation in the Democratic Republic of Congo, Prosecution's Reply on the Applications for Participation, *op. cit.*, para 30.

68. *Ibid*, para 30.

69. Situation in the Democratic Republic of Congo, Decision on the Applications for Participation in the Proceedings, *op. cit.*, para 47.

70. Jorda, Claude & Jerome de Hemptinne, "The Status and Role of the Victim", in: Cassese *et al.* eds., *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary* (2002): 1404.

آرای تاریخ حقوق کیفری بین‌المللی است تا حدی که به اعتقاد برخی «این اولین مرتبه‌ای است که دیوان کیفری، نقض حقوق بنیادی بزهدیدگان، صدمه‌ای که آن‌ها متحمل شده‌اند و حق دفاع از منافع خود را شناسایی کرده است».^{۷۱} صرف‌نظر از کسب مجوز از شعبه مقدماتی، ممکن است دادستان به تشخیص خود، تحقیقاتی را بر اساس اطلاعاتی شروع کند که آن‌ها را از سازمان‌های مختلف حمایت از بزهدیدگان یا سازمان‌های غیردولتی دریافت کرده است.^{۷۲} شرکت مستقیم بزهدیدگان در مرحله تحقیقات، ممکن است دادستان را تحت فشار قرار دهد که تحقیقات را ولو اینکه به آن تمایلی نداشته باشد، شروع کند یا حداقل، مقدمات آن را فراهم کند.^{۷۳} این وضعیت برای بزهدیدگان، بسیار حائز اهمیت است، چرا که آن‌ها را از همان ابتدای تحقیقات، قادر به دسترسی به اطلاعاتی راجع به وضعیت در دست تحقیق می‌کند. از طرفی چنین شرایطی زمینه را برای آن‌ها فراهم می‌کند که آن‌ها نیز اطلاعات تکمیلی را در اختیار دادستان قرار دهند و از این لحاظ به پیشبرد تحقیقات کمک کنند.^{۷۴}

علاوه بر این، از منظر برخی حقوق‌دانان نیز اساسنامه رم، دربرگیرنده مقررات جدیدی راجع به شرکت بزهدیدگان (نه فقط به‌عنوان شاهد یا متقاضی جبران خسارت) در مراحل مختلف رسیدگی به یک پرونده، از شروع تحقیقات تا پایان محاکمه است.^{۷۵} یکی از مهم‌ترین دلایل اعطای این امتیاز به بزهدیده‌گان، کشف حقیقت است، چرا که بزهدیدگان، تجربه‌های دست‌اولی از وقوع جرم بر خود دارند که می‌توانند آن را برای دادستان یا قضات دیوان بازگو کنند.^{۷۶} مشارکت آن‌ها در فرایند تحقیقات در حال انجام، دیوان را از نگرانی‌ها و خواسته‌های آن‌ها برای احقاق حق و جبران خسارت مطلع می‌سازد. شرکت‌دادن بزهدیدگان در مرحله تحقیقات، هم به نفع بزهدیدگان و هم به نفع شعبه مقدماتی است. بزهدیدگان از طریق شعبه مقدماتی می‌توانند بر عملکرد دادستان تأثیر بگذارند و خواسته‌های خود را بر انجام یا صرف‌نظرکردن از تحقیقات به سمع دادستان برسانند.^{۷۷}

در تحقیقاتی که دادستان رأساً اقدام می‌کند، اساسنامه به‌صراحت امکان ارائه شکایت بزهدیدگان به شعبه مقدماتی را پیش‌بینی کرده است، اما این شکایت زمانی صورت می‌گیرد که

71. Situation in the Democratic Republic of Congo, *ICC Press Release*, First Victims Recognized by the International Criminal Court, 20 January 2006.

72. Baumgartner, Elisabeth, "Aspects of Victim Participation in the Proceedings of the International Criminal Court", *International Review of the Red Cross*, 90 (2008): 870.

73. *Ibid.*

74. Cohen, Miriam, "Victims' Participation Rights within the International Criminal Court: A Critical Overview", *Denver Journal of International Law & Policy*, 37.3 (2009): 358.

75. *Ibid.*, 351.

76. *Ibid.*, 353.

77. Hemptinne, Jerome and Francesco Rindi, "ICC Pre-Trial Chamber Allows Victims to Participate in the Investigation Phase of Proceedings", *Journal of International Criminal Justice*, vol. 4 (2006): 347.

دادستان قبلاً به این نتیجه رسیده است که مبنای منطقی برای آغاز تحقیقات وجود دارد (ن.ک: ماده (۳) ۱۵ اساسنامه). از این منظر، پیش‌بینی شرکت بزه‌دیدگان در فرایند تحقیقات، تضمینی مضاعف بر بی‌طرفی و تحقق عدالت است، تا اینکه همان طور که شعبه مقدماتی در این رابطه مسئولیت دارد، بتوان به شخص ثالثی غیر از دادستان نیز اتکا کرد و به‌موجب آن معلوم شود که چه زمانی از دادستان خواسته شود در تصمیم خود بر عدم انجام تحقیقات، بازنگری کند (ن.ک: ماده (۳) ۵۳ اساسنامه) یا چه زمانی به دادستان مجوزی داده شود که تحقیقات را شروع کند (ن.ک: ماده (۳) ۱۵ اساسنامه).^{۷۸} علاوه بر این، شرکت بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی، تحقیقات دادستان را نیز تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، چرا که اگر دیوان کیفری بین‌المللی تصمیم گرفته است که به بزه‌دیدگان، اجازه شرکت در تحقیقات را بدهد، حتماً اقدامات احتیاطی مصرح در مواد ۵۶ و ۵۷ اساسنامه را برای جلوگیری از تأثیرات منفی احتمالی آن بر روند تحقیقات در حال انجام نیز مدنظر قرار می‌دهد.

نتیجه

حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری یکی از موضوعات مغفول‌مانده است. مطالعه تاریخ حقوق کیفری قدیم نشان می‌دهد در اکثر نظام‌های عدالت کیفری به نقش و جایگاه بزه‌دیده به اندازه کافی توجه نشده است. لیکن این رویکرد در دوران معاصر و پس از ظهور بزه‌دیده‌شناسی حمایتی رو به بهبود گذاشته است. تأثیر دستاوردهای این علم باعث شده است که حقوق کیفری تحول شگرفی پیدا کند و بزه‌دیده، نقش اصلی را در هدایت پرونده ایفا کند، چرا که مداخله‌دادن بزه‌دیدگان و آگاهی آن‌ها نسبت به سرنوشت محاکمه کیفری از ضروریات عدالت کیفری بزه‌دیده‌مدار است. از طرف دیگر، صرف شکایت قانونی زیان‌دیده علیه مجرم، خسارات وی را جبران نمی‌کند. از این رو پس از وقوع جرم و به‌موازات تعقیب و تحقیق از متهم و طی مراحل دادرسی، حمایت از بزه‌دیده در اولویت کاری است.

نقش بزه‌دیده و جبران خسارات وی در نظام جدید از همان ابتدای شکل‌گیری تحقیقات کیفری در پرونده، مورد احترام و توجه است. این حق در عرصه بین‌المللی برای اولین بار در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌بینی شد. تدوین‌کنندگان اساسنامه رم، تحت تأثیر اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، در مرحله اول بر حق بزه‌دیده بر ارائه و اظهارنظر راجع به دیدگاه‌های خود تأکید کرده‌اند و حق مشارکت او را در فرایند رسیدگی به پرونده‌های تحت صلاحیت دیوان در نظر گرفته‌اند. از این رو ماده ۶۸ اساسنامه به حق

78. Gaeta, Paola, "Is the Practice of 'Self-Referrals' a Sound Start for the ICC", *Journal of International Criminal Justice*, vol. 2 (2004): 950.

شرکت بزهدیدگان در دادرسی‌های کیفری دیوان اشاره کرده است. باوجود این، تفسیر لغوی «دادرسی کیفری»، اجازه توسعه این حق را به مرحله تحقیقات نمی‌دهد.

تحت این شرایط، شروع تحقیقات دادستان در وضعیت کنگو در ابتدایی‌ترین مراحل خود با تقاضای بزهدیدگان رخ داده در این سرزمین، از شعبه مقدماتی برای شرکت در مرحله تحقیقات مقدماتی همراه شد. شعبه مقدماتی با استناد به ماده (۳) ۶۸ اساسنامه استدلال کرد که بزهدیدگان در این مرحله از تحقیقات حق دارند که حضور داشته باشند و نظرات و نگرانی‌های خود را به دادستان و شعبه مقدماتی اظهار کنند. این درحالی است که ماده (۳) ۶۸ اساسنامه، مقید به جواز شرکت بزهدیدگان در مرحله دادرسی است. لیکن شعبه مقدماتی استدلال کرد که ماده (۳) ۶۸ اساسنامه در مراحل غیر از مرحله محاکمه نیز کاربرد دارد، چرا که شرکت بزهدیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی ممنوع نیست، به روند تحقیقات صدمه‌ای نمی‌زند و از تأثیر آن نمی‌کاهد.

با این‌همه، دادستان درمقابل این استدلال، موضع‌گیری کرد. دادستان با ارائه تفسیر مضیقی از ماده (۳) ۶۸ اساسنامه استدلال کرد که هیچ دادرسی‌ای به آن معنایی که در ماده (۳) ۶۸ اساسنامه به کار رفته است، در مرحله تحقیقات مقدماتی وجود ندارد، چرا که مرحله دادرسی از لحاظ لغوی شامل مرحله تحقیقات مقدماتی نمی‌شود. علاوه بر این، ماده (۳) ۶۸ اساسنامه در ذیل فصل ۶ اساسنامه قرار گرفته است که به مرحله محاکمه اختصاص دارد. این اعتراض دادستان، در حالی است که بسیاری از مواد اساسنامه، رویکرد شعبه مقدماتی را برای صدور مجوز شرکت بزهدیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی در حال انجام، تأیید می‌کند. چه بسا شرکت بزهدیدگان در این مرحله به نفع دادستان و دیوان نیز باشد، چرا که دادستان، بیشتر و سریع‌تر به حقایق دست می‌یابد. دیوان نیز از طریق بزهدیدگان، دادستان را کنترل می‌کنند و با آگاهی بزهدیدگان، مجوزهای لازم را در اختیار دادستان قرار می‌دهند یا اینکه بنا به خواسته‌های بزهدیدگان، به انجام امور توسط دادستان تسریع می‌بخشند.

علاوه بر این، شرکت بزهدیدگان در این مرحله از حقوق، مبتنی بر دسترسی به عدالت و رفتار منصفانه با بزهدیده است که از دستاوردهای علم بزهدیده‌شناسی حمایتی است. دیوان کیفری بین‌المللی در این رأی، تحت تأثیر جنبش‌های نوین بزهدیده‌شناسی حمایتی قرار گرفته است که برای حقوق بزهدیدگان از ابتدای تحقیقات مقدماتی، احترام قائل شده است. این رأی، سرآغاز رویه‌ای در عرصه حقوق بین‌الملل کیفری است که نویدبخش الگوپذیری نظام‌های عدالت کیفری بین‌المللی و داخلی کشورها از آثار مثبت این رویه است. بدون شک، این رأی با توسعه مشارکت بزهدیدگان در فرایند دادرسی از همان مراحل آغازین، می‌تواند دسترسی بزهدیدگان به عدالت و رفتار منصفانه را ترویج دهد و استحکام بخشد.

منابع:

الف) فارسی

— کتاب

- آشوری، محمد؛ عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، گنج دانش، ۱۳۷۶.
- ۱۳۹۰.
- آنسل، مارک؛ دفاع اجتماعی، ترجمه: محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزهدیده در فرایند کیفری، خط سوم، ۱۳۸۱.
- —————؛ بزهدیده‌شناسی حمایتی، دادگستر، ۱۳۸۴.
- —————؛ بزهدیده‌شناسی، شهر دانش، ۱۳۹۰.
- —————؛ عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، نگاه بین، ۱۳۸۵.
- شریعت‌باقری، محمدجواد؛ اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، چاپ دوم، جنگل، ۱۳۹۰.
- عباسی، مصطفی؛ افق‌های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، دانشور، ۱۳۸۲.
- محمدنسل، غلامرضا؛ مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، چاپ دوم، دادگستر، ۱۳۹۱.

— مقاله

- آشوری، محمد و ابوالقاسم خدادادی؛ «حقوق بنیادین بزهدیده در فرایند دادرسی کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- توجهی، عبدالعلی؛ «اندیشه حمایت از بزهدیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران»، در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، سمت، ۱۳۸۳.
- حاجی‌ده‌آبادی، احمد؛ «از جبران خسارت بزهدیده توسط بزهدکار تا جبران خسارت توسط دولت»، مجله فقه و حقوق، شماره ۹، ۱۳۸۶.
- حبیبی مجنده، محمد و مرضیه دیرباز؛ «دیوان کیفری بین‌المللی و حقوق بزهدیده در مراحل محاکمه و تجدیدنظر»، مجله تعالی حقوق، شماره ۲، ۱۳۹۲.
- رایجیان اصلی، مهرداد؛ «تحول حقوق جهانی بزهدیدگان بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزهدیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۷-۵۶، ۱۳۸۵.
- —————؛ «بزهدیده‌شناسی حمایتی در اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای

- بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت»، پژوهش‌های حقوقی، شهر دانش، شماره ۷، ۱۳۸۴.
- _____؛ «بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳-۵۲، ۱۳۸۴.
- _____؛ «بزه‌دیده‌گان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۹، ۱۳۸۵.
- رضوی‌فرد، بهزاد و حسن فقیه‌محمدی؛ «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله حقوق بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۴۵، ۱۳۹۰.
- زینالی، امیرحمزه و محمدباقر مقدسی روین؛ «حق بزه‌دیده بر امنیت و اطلاع‌رسانی در فرایند کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، ۱۳۹۱.
- _____؛ «رویکرد تطبیقی به نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرایند کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۵، ۱۳۹۲.
- شیری، عباس؛ «فرایندهای عدالت ترمیمی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱، ۱۳۸۶.
- عبدالفتاح، عزت؛ «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی و سوسن خطاطان، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۳، ۱۳۷۱.
- قوام، میرعظیم؛ «حقوق بزه‌دیدگان و خواسته‌های آنان از پلیس»، فصلنامه انتظام اجتماعی، شماره ۲، ۱۳۸۹.
- _____؛ «نقش بزه‌دیدگان در کشف جرم و حمایت پلیس از آنان»، فصلنامه انتظام اجتماعی، شماره ۳، ۱۳۹۲.
- لسانی، حسام‌الدین و مرضیه دیرباز؛ «حمایت‌های مادی دیوان بین‌المللی کیفری از بزه‌دیدگان»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲، ۱۳۹۰.
- نیازپور، امیرحسن؛ «نقش بزه‌دیده در چگونگی پاسخ‌دهی به بزهکاران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، ۱۳۹۱.
- یوسفی مراغه، مهدی؛ «خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان در مرحله دادرسی و اجرای حکم»، فصلنامه حقوق و مصلحت، شماره ۴، ۱۳۸۸.
- یوسفی مراغه، مهدی؛ «خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان در مرحله تحقیقات مقدماتی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۳، ۱۳۸۸.

- رساله

- رایجیان اصلی، مهرداد؛ جرم‌نگاری سوءاستفاده از قدرت در پرتو نظام حقوق بشر و حقوق کیفری، رساله دکتری در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۵.
- سماواتی پیروز، امیر، ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت‌های جرم‌شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلیس، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.

(ب) انگلیسی

Books and Articles:

- Baumgartner, Elisabeth, "Aspects of Victim Participation in the Proceedings of the International Criminal Court", *International Review of the Red Cross*, vol. 90 (2008).
- Beaty, David *et al.*, "New Direction from the Field: Victims' Rights and Services for the 21st Century", *U.S. Department of Justice, Office of Justice Program, Office for Victims of Crime*, Washington D.C. (2006).
- Cohen, Miriam, "Victims' Participation Rights within the International Criminal Court: A Critical Overview", *Denver Journal of International Law and Policy*, vol. 37.3 (2009).
- Doak, J., *Victims Rights, Humans Rights and Criminal Justice*, Oxford, Hart Publishing (2008).
- Donat-Cattin, David, Article 68, in: "Protection of Victims and Witnesses and Their Participation in the Proceedings", in: Otto Triffterer ed., *Commentary on the Rome Statute of the International Criminal Court, Observer's Notes* (1999).
- Emmerson, B. and A. Ashworth, *Human Rights and Criminal Justice*, London, Sweet and Maxwell (2001).
- Gaeta, P., "Is the Practice of 'Self-Referrals' a Sound Start for the ICC?", *Journal of International Criminal Justice*, vol. 2 (2004).
- Garland, D., "The Culture of High Crime Societies: Some Preconditions of Recent Law and Order Policies", *British Journal of Criminology*, vol. 40 (2000).
- Haslam, Emily, "Victim Participation at the International Criminal Court: a Triumph of Hope over Experience?", in: Dominic Mc Goldrik *et al.* (eds.), *The Permanent International Criminal Court, Legal and Policy Issues*, Hart Publishing, Oxford and Portland Oregon (2004).
- Hemptinne, Jerome and Francesco Rindi, "ICC Pre-Trial Chamber Allows Victims to Participate in the Investigation Phase of Proceedings", *Journal of International Criminal Justice*, vol. 4 (2006).

- Jorda, Claude & Jerome de Hemptinne, the Status and Role of the Victim, in Cassese *et al.* eds., *The Rome Statute of the International Criminal Court: A Commentary* (2002).
- Sanders, A., “Victim Participation in an Exclusionary Criminal Justice System”, in Hoyle, C. and R. Young, (Eds.), *New Versions of Crime Victims*, Oxford, Hart Publishing (2002).
- Schabas, William A., *An Introduction to the Criminal Court*, 3th edition, Cambridge University Press (2007).
- Stahn, Carsten, Hector Olasolo & Kate Gibson, “Participation of Victims in Pre-Trial Proceedings of the ICC”, *Journal of International Criminal Justice*, vol. 4 (2006).
- Walther, S., “Victims’ Rights in German Court System”, *Federal Sentencing Reporter*, vol. 19.2 (2006).
- Wemmers, Jo. Anne, “Reparation and the International Criminal Court: Meeting the Needs of Victims”, Report of the Workshop held January 28th 2006. Available at: <http://www.globalsolutions.org/files/general/victims-rights.pdf>.
- Wolhuter, L., N. Olley and D. Denhain, *Victimology, Victimization and Victims’ Rights*, London, Cavendish Publishing (2009).

Documents and Awards:

- Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, G.A. Res. 40/34, U.N. GAOR, 40th Sess., 96th plenary mtg., Annex, U.N. Doc. A/RES/40/34, 29 November 1985.
- *Prosecutor v. Radislav Krstic*, Judgment, Case No. IT-98-33-T, 2 August 2001.
- Situation in the Democratic Republic of Congo, Prosecution’s Observations on the Applications for Participation of Applicants a/0004/06 to a/0009/06, a/0016/06 to a/0063/06, a/0071/06, a/0072/06 to a/0080/06 and a/0105/06, Case No. ICC-01/04-315, 17 Sep 2007.
- Situation in the Democratic Republic of Congo, Prosecution’s Reply under Rule 89(1) to the Applications for Participation of Applicants a/0106/06 to a/0110/06, a/0128/06 to a/0162/06, a/0188/06, a/0199/06, a/0203/06, a/0209/06, a/0214/06, a/0220/06 to a/0222/06 and a/0224/06 to a/0250/06, Case No. ICC-01/04-346, 25 June 2007.
- Situation in the Democratic Republic of Congo, Decision on the Applications for Participation in the Proceedings of VPRS1, 2, 3, 4, 5 and 6, ICC-01/04-101, 17 January 2006.
- Situation in the Democratic Republic of Congo, Prosecution’s Reply on the Applications for Participation 01/04-1/dp to 01/04-6/dp, Case No. ICC-01/04-84-Conf, 15 August 2005.

- Situation in the Democratic Republic of Congo, ICC Press Release, First Victims Recognized by the International Criminal Court, 20 January 2006.
- Statute of the International Criminal Tribunal for Rwanda, 1994.
- Statute of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia, 1993.
- United Nations Convention on Justice and Support for Victims of Crime and abuse of Power, Draft Convention, 8 February 2010.